

## تحلیل شناختی استعاره مفهومی عشق در اشعار احمد عزیزی

محسن محسناتبار فیروزجایی، فیروز فاضلی\*، رضا چراغی

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

سال هجدهم، شماره یکم، فروردین ۱۴۰۴، شماره پی در پی ۱۰۷، صص ۲۴۲-۲۱۹

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7718>

### نشریه علمی سبک شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

#### چکیده:

**زمینه و هدف:** بر اساس رویکرد شناختی زبان، تجربیات حسی و فیزیکی انسان مبنای ادراک مفاهیم انتزاعی است. در زبان‌شناسی شناختی، استعاره نقش مهمی در نظام شناختی بشر دارد؛ به نحوی که بسیاری از بنیادی‌ترین مفاهیم در نظام مفهومی از طریق مفاهیم استعاری درک می‌شود. عشق یکی از مفاهیم انتزاعی و احساسی است که برای بیان آن استفاده از مفاهیم ملموس‌تر و عینی‌تر ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش با بهره‌گیری از نظریه استعاره مفهومی به شواهدی می‌پردازد که احمد عزیزی در اشعار خود، حوزه‌های ملموس و عینی و ماده را بر حوزه انتزاعی عشق مفهوم‌سازی کرده است.

**روش‌ها:** پژوهش پیش رو، مطالعه‌ای نظری است که به شیوه پژوهش کتابخانه‌ای انجام شده است. محدوده و جامعه مورد مطالعه، مثنویها و مجموعه غزلیات احمد عزیزی است و نمونه‌ها از مجموع ۱۳۱ بیت دارای ساختار استعاری به عنوان شاهد مثال انتخاب شده است. این تحقیق به روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از رویکرد شناختی به تحلیل استعاره مفهومی عشق در اشعار احمد عزیزی می‌پردازد.

**یافته‌ها:** احمد عزیزی برای مفهوم‌سازی عشق از استعاره‌های هستی‌شناختی و ماده‌های گوناگون بهره گرفته تا بتواند بر جنبه‌ها و کارکردهای گوناگون عشق تمرکز نماید. برآیند متن بیان‌کننده سيطرة سه کلان‌استعاره «عشق جاندار است»، «عشق ماده/جسم است»، «عشق مکان است» و سامان‌یافتگی آن بر گستره‌ای از خرداستعاره‌های هستی‌شناسی و ماده بر محور این کلان‌استعاره‌هاست. این خرداستعاره‌ها بر پایه تناظرهای موجود شماری از مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با عشق همچون پیشوایی، قاهریت، قدرت، عظمت، بیکرانگی، تهذیب‌کنندگی، روشنایی‌بخشی، قداست، ارزش‌بخشی، شورانگیزی، فناکنندگی و وصال‌بخشی را مفهوم‌سازی می‌کنند. همچنین از طر حواره‌های تصویری جاندار، حرکتی/مسیر، شیء، نور و ظرف برای ارتباط حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره استفاده شده است.

**نتیجه‌گیری:** بررسی کلان‌استعاره‌های عشق و خرداستعاره‌های مرتبط با آن، حکایت از آن دارد که از مجموع ۷۴ گروه استعاری ۲۶ خرداستعاره مرتبط با الگوی جاندارانگاری، ۲۸ مورد جسم-انگاری و ۲۰ مورد مکان‌انگاری استفاده شده است. نیز، بررسی کارکردهای مثبت و منفی خرداستعاره‌ها و بسامد آن نشان می‌دهد که دیدگاه شاعر نسبت به تجربه شهودی عشق غالباً خوشایند و مثبت است.

تاریخ دریافت: ۱۰ مرداد ۱۴۰۳  
تاریخ داوری: ۱۱ شهریور ۱۴۰۳  
تاریخ اصلاح: ۲۶ شهریور ۱۴۰۳  
تاریخ پذیرش: ۱۲ آبان ۱۴۰۳

#### کلمات کلیدی:

زبان‌شناسی شناختی، استعاره مفهومی، عشق، شعر

\* نویسنده مسئول:

✉ [drfiroozfazeli@guilan.ac.ir](mailto:drfiroozfazeli@guilan.ac.ir)

☎ ۰۲۷۴۹۰۳۳۶۹ (+۹۸)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Cognitive analysis of the conceptual metaphor of love in Ahmad Azizi's poems

M. Mohsenatabar Firouzjaei, F. Fazeli\*, R. Cheraghi

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 31 July 2024  
Reviewed: 01 September 2024  
Revised: 16 September 2024  
Accepted: 02 November 2024

KEYWORDS

cognitive linguistics, conceptual metaphor, Love, poems.

\*Corresponding Author

✉ [drfiroozfazeli@guilan.ac.ir](mailto:drfiroozfazeli@guilan.ac.ir)

☎ (+98 13) 33690274

ABSTRACT




**BACKGROUND AND OBJECTIVES:** Based on the cognitive approach of language, human sensory and physical experiences are the basis for understanding abstract concepts. In cognitive linguistics, metaphor plays an important role in human cognitive system; In such a way that many of the most basic concepts in the conceptual system are understood through metaphorical concepts. Love is one of the abstract and emotional concepts for which it seems necessary to use more concrete and objective concepts. Using the theory of conceptual metaphor, this research examines the evidence that Ahmad Azizi has conceptualized the concrete and objective spheres and material over the abstract sphere of love in his poems.

**METHODOLOGY:** The present research is a theoretical study conducted in the style of library research. The scope and community of study is the Masnavis and the collection of Ghazliats of Ahmad Azizi, and the samples from the total of 131 verses with a metaphorical structure have been selected as examples. This research analyzes the conceptual metaphor of love in Ahmad Azizi's poems using a descriptive-analytical method and a cognitive approach.

**FINDINGS:** Ahmad Azizi used ontological metaphors and various materials to conceptualize love in order to focus on various aspects and functions of love. The result of the text expressing the dominance of three Extended metaphors "Love is living, "Love is material/body", "Love is place" and its organization on a range of micro-metaphors with substance and material on the axis of this Extended metaphors. Based on existing correspondences, these micro-metaphors describe some of the most important concepts related to love, such as leadership, power, greatness, infinity, ennoblement, illumination, sanctity, valuing, excitement, destruction, and connection Conceptualiz. Also, the Image schemas of vitality, motion/path, object, light, and container have been used to connect the origin and destination areas of the metaphor.

**CONCLUSION:** The examination of Extended metaphors of love and micro-metaphors related to it indicates that 26 micro-metaphors related to the pattern of animism, 28 cases of physical metaphors and 20 cases of spatial metaphors were used out of a total of 74 metaphor groups. Also, examining the positive and negative functions of micrometaphors and their frequency shows that the poet's view of the intuitive experience of love is often pleasant and positive.

DOI: <http://10.22034/bahareadab.2025.18.7718>

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 31	 5	 4

## ۱. مقدمه

احمد عزیزی از چهره‌های ممتاز شعر معاصر است که به بیان احساسات و عواطف شخصی خویش در شعرش پرداخته و اشعاری با رنگ و بوی عرفانی و فلسفی سروده است. وی شعرها و نثرهای متعددی دارد. کشفهای مکاشفه، شرحی آواز، خوابنامه و باغ تناسخ، ملکوت تکلم، ترانه‌های ایلیایی، ناودان الماس، طغیان ترانه، قوس غزل و روستای فطرت از جمله آثار اوست. و نیز، مجموعه شطحیات که به صورت نثر می‌باشد. این مقاله درصدد است تا به کمک نظریه استعاره مفهومی، کارکردهای شناختی حوزه مفهومی عشق و تناظرهای استعاری در استعاره‌های هستومند و ماده شعر عزیزی را بررسی نماید. پژوهش پیش رو، در پی پاسخ به این پرسشهاست که: کلان‌استعاره‌های موجود در اشعار عزیزی کدامند و کدام خرداستعاره‌ها را در حمایت از خود آفریده است؟ نقش طرحواره‌های تصویری در ارتباط بین حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره به چه نحوی است؟ قلمروهای هستومند و ماده در تناظر با عشق، چه مفاهیمی را بازگو میکنند؟ و در نهایت با توجه به تناظرهای استعاری، دیدگاه کلی شاعر درباره عشق چیست؟ جامعه آماری تحقیق مثنویهای احمد عزیزی و مجموعه غزلیات اوست و نمونه‌ها از میان ۱۳۱ بیت که دارای ساختار استعاری بوده‌اند، به عنوان شاهد مثال انتخاب شده است. این الگوها در مجموع مشتمل بر ۷۴ گروه استعاری است که به همراه کارکرد شناختی آنها با توجه به تناظرهای استعاری در جدول مطرح میشود و سپس تحلیلی از بحث بیان خواهد شد. عدد داخل کمانک در متن نیز، بسامد ابیات را نشان میدهد. همچنین فراوانی خرداستعاره‌ها و بسامد آنها در الگوهای سه‌گانه به علاوه کارکردهای شناختی مثبت و منفی آن بر روی نمودار نشان داده شده است. برآیند متن نشان میدهد شاعر برای مفهوم‌سازی حوزه انتزاعی عشق از استعاره هستی‌شناختی استفاده نموده و با کمک طرحواره‌های تصویری جاندار، شیء، حرکتی/مسیر، ظرفی و نور ارتباط بین حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره را برقرار ساخته است.

نگاه به پیشینه موضوع حاکی از آن است پژوهشهایی که پیرامون آثار و اشعار احمد عزیزی انجام شده غالباً دارای رویکردی ادبی و زیبایی‌شناسانه بوده و به تحلیل محتوایی و ویژگیهای بلاغی آنها بیشتر توجه شده است. از آن جمله: آقاحسینی، حسین و زینب زارع (۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان «تحلیل زیباشناختی ساختار زبان شعر احمد عزیزی بر اساس کشفهای مکاشفه»؛ انواع هنجارگریزها را در شعر شاعر بررسی کرده‌اند. «نگاهی به شعر عزیزی» عنوان مقاله‌ای است که توسط مریم شعبانزاده (۱۳۹۰) به بررسی آرایه‌های ادبی و موسیقی کلام او در کتاب ترانه‌های ایلیایی پرداخته است. همچنین از همین نگارنده در مقاله‌ای با عنوان «فناوری در زبان امروز» (جستاری در تأثیر تکنولوژی بر شعر احمد عزیزی) به معرفی استعاره‌ها و کنایات به کار رفته در حوزه فناوریهای نوین در شعر عزیزی پرداخته شده است. منوچهر اکبری و صدیقه غلامزاده (۱۳۹۱) در مقاله خود با عنوان «کارکردهای هنری و بلاغی کنایه در کشفهای مکاشفه» نقش کنایه را در ترکیب‌سازیه‌ها و خلق مضامین بدیع در این اثر عزیزی بررسی کرده‌اند. مریم سلحشور (۱۳۹۳) در مقاله خود «آشنایی‌زدایی و هنجارگریزی در اشعار احمد عزیزی» را مورد تحلیل قرار داده است. محمدرضا نجاریان و سمیه شرونی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای به بررسی «درونمایه‌های شعر احمد عزیزی» پرداخته‌اند. محسن رضوانی (۱۳۹۰) در پایان نامه خود با عنوان «بررسی مختصات سبک هندی در شعر معاصر» ویژگیهای سبک هندی را در اشعار احمد عزیزی بررسی کرده است. فاطمه نداف زاده (۱۳۹۴) در پایان‌نامه خود به «بررسی سبک، اندیشه و محتوای اشعار احمد عزیزی» پرداخته و سامان خانی (۱۳۹۴) نیز، در پایان‌نامه «بررسی تطبیقی عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی» دیدگاه دو شاعر را نسبت به عشق و کیفیات آن مورد تحلیل قرار داده است. بنا بر آنچه گفته شد، در میان پژوهشهای

صورت گرفته تحقیق مستقلی درخصوص تحلیل شناختی استعاره مفهومی عشق در اشعار احمد عزیزی بر مبنای رویکرد شناختی به دست نیامد و پژوهش حاضر کاری نوین در این حوزه محسوب میشود.

## ۲. مبانی نظری تحقیق

استعاره مفهومی یکی از مقولات بسیار مهم در ارتباط با نظریه زبانشناسی شناختی بوده که بیش از همه مدیون آرای جورج لیکاف و مارک جانسون در کتاب «استعاره‌هایی که با آنها زندگی میکنیم» است. «زبانشناسان شناختی، به ویژه لیکاف و جانسون، استعاره را عنصری بنیادین در مقوله‌بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن میدانند.» (صفوی، ۱۳۸۳، ص ۳۶۷) بنا بر دیدگاه آنان «استعاره منحصر به زبان، یعنی واژه‌ها نیست. برعکس، بخش عمده‌ای از فرایندهای فکری آدمی استعاره است.» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴، ص ۱۷) در حقیقت استعاره در زبان ادبی و شعر بخشی از خانواده بزرگ استعاره‌ها هستند. در یک تعریف کلی «استعاره فهم و تجربه چیزی در اصطلاحات و عبارات چیز دیگر است.» (هاشمی، ۱۳۸۹) هدف از بکارگیری استعاره در حوزه زبانشناسی این است که مفاهیم انتزاعی و ذهنی را بر مبنای یک الگوی عینی و محسوس درک و دریافت کنیم. «استعاره حاصل نگاشتهایی است که بین حوزه‌های مبدأ و مقصد استعاره ارتباط ایجاد میکند و صرفاً مبتنی بر شباهت نیست.» (Lakoff and Johnson, 1980, p.2) «رابطه تناظر یا نگاشت بدین معناست که عناصر مفهومی تشکیل‌دهنده حوزه مقصد با عناصر مفهومی تشکیل‌دهنده حوزه مبدأ متناظر هستند. قلمرو مبدأ غالباً با تجربه‌های فیزیکی انسان در ارتباط است و طبیعتاً به آسانی درک می‌شود؛ اما قلمرو مقصد مفهومی انتزاعی بوده و درک و دریافت آن دشوارتر است.» (کووچش ۲۰۱۰، ص ۵۹) «به استعاره‌هایی که به سبب تمرکز ذهن نویسنده بر آن در سرتاسر یک متن حضور دارند، کلان‌استعاره و به استعاره‌های حمایت‌کننده آن، خرداستعاره میگویند.» (همان) «آنان همچنین معتقدند ساختار ذهن انسان از طریق تجربه‌هایی که در تماس با پدیده‌های جهان خارج کسب مینماید، ساختارهای مفهومی را خلق مینماید که میتواند به ما کمک کند تا مفاهیم انتزاعی را در قالب پدیده‌های عینی و ملموس ادراک نماییم. به این انطباق بین ذهن و پدیده‌های بیرونی طرحواره تصویری گویند. طرحواره‌های تصویری رابطه بین حوزه مبدأ و مقصد را در درک استعاره نشان میدهند» (Lakoff and Johnson, 1980, p.25) «طرحواره‌های تصویری از تجربیات حسی بشر پدید می‌آیند. آنها پیش مفهومی هستند و جزو اولین مفاهیمی محسوب میشوند که در ذهن انسان به وجود می‌آیند.» (روشن و اردبیلی، ۱۳۹۲، ص ۴۹) اگرچه از منظر زبان‌شناسان شناختی طرحواره‌های تصویری ذهنی نامحدود بوده و قابل گسترشند با این حال، طرحواره‌های حجمی و قدرتی و حرکتی طرحواره‌های پایه هستند. بر مبنای دیدگاه زبانشناسان شناختی استعاره‌های مفهومی بر حسب کارکرد سه دسته‌اند: استعاره‌های جهت‌ی؛ استعاره‌های ساختاری؛ استعاره‌های هستی‌شناختی. استعاره‌های هستی‌شناختی نیز به سه دسته تقسیم‌بندی میشوند: نخست، «استعاره هستومند و ماده که اجسام فیزیکی و مواد، بنیانی برای درک مفاهیم انتزاعی فراهم می‌آورند؛ دوم، استعاره مکان و ظرف؛ و سوم، استعاره شخصیت‌بخشی که در این شیوه احساسات، فعالیتها و عقاید به مثابه یک هستومند در نظر گرفته میشود.» (Lakoff and Johnson, 1980, p.25) در استعاره‌های هستی‌شناختی که موضوع این پژوهش است، تجربه‌ها، رویدادها، فعالیتها، احساسات و عقاید ما همچون اشیا، مواد و ظروف مفهوم‌سازی میشوند و از این طریق قادر خواهیم بود به آن مفاهیم ارجاع دهیم، آنها را مقوله‌بندی کنیم، مقدارشان را تعیین کنیم و در موردشان بیندیشیم.

### ۳. استعاره مفهومی هستی‌شناختی عشق در شعر احمد عزیزی

یکی از کارکردهای اصلی استعاره مفهومی، کارکرد توصیفی آن است و آن توصیف تجربه‌هایی است که غیر قابل وصفند و یا با دشواری توصیف میشوند. از آنجایی که استعاره در سازماندهی ذهن و زبان نقش مهمی ایفا مینماید «فرایندی است که در شناخت واقعیت به انسان کمک کرده، خودآگاه و ناخودآگاه وی را به هم پیوند میدهد.» (هاشمی و قوام، ۱۳۹۲) معمولاً توصیف عشق به عنوان یک تجربه شهودی با هیچ زبانی به جز زبان محسوسات میسر نیست. «عارف هنگام اتصال روح به جهان ماوراء از ادراکات شهودی خود سخن میگوید؛ یعنی از حقیقت تجربه شده که برای وی بسیار بدیهی و روشن است. اگر او بخواهد این تجربه را در ظرف زبان بریزد، نیاز دارد که از استعاره‌های موجود در قلمرو محسوسات کمک بگیرد.» (بهنام، ۱۳۸۹) در شعر عزیزی استعاره‌های مفهومی عشق تحت عنوان ۳ کلان‌استعاره قابلیت بررسی دارد: ۱. جاندارانگاری؛ ۲. جسم‌انگاری؛ و ۳. مکان‌انگاری.

### ۳. جاندارانگاری

#### انسان‌انگاری

جدول (۳-۱). خرداستعاره‌های مرتبط با الگوی انسان‌انگاری عشق و کارکردهای شناختی آنها با توجه به

#### تناظرهای استعاری

خرد - استعاره‌ها	کارکرد شناختی	نمونه شعری
عشق به منزله خدا/ معبود / معشوق است	قاهریت و قدرت	۱. عشق می‌میراند و جان می‌دهد/ می‌کشد ما را و تاوان می‌دهد (۱۳۸۷ الف، ص ۳۲۶)
		۲. عشق از ما دست گیرد به عهد/ از لحد بوده‌ست اینجا اصل مهد (همان، ص ۶۳۶)
	آفرینندگی	۳. می‌رود انسان به روی کول عشق/ بنگر این میلیاردها معلول عشق (همان، ص ۶۲۷)
	الهی بودن	۴. خدای عشق می‌گوید به سوی قلعه امکان/ بیا تا نیزه خود را به قلب لشگر اندازیم (۱۳۸۷ ب، ص ۲۲۲)
	پیشوایی	۵. خونین دلان چو در صف عشاق جا کنند/ باید به عشق در همه جا اقتدا کنند (همان، ص ۱۵۸)
		۶. عشق اگر سر خواست خود را سر بز/ عشق بی‌رگ نیست بر خنجر مز (۱۳۸۷ الف، ص ۶۳۶)
		۷. اگر عالم پرستشگاه عشق است / صمد را جلوه‌ای غیر از صنم نیست (۱۳۸۷ ب، ص ۴۷)
	محدودکنندگی و غیرت عشق	۸. چنان با عشق در بندم که دیگر/ نمی‌آیم برون از خانه خود (همان، ص ۱۶۰)
		قاهریت و قدرت

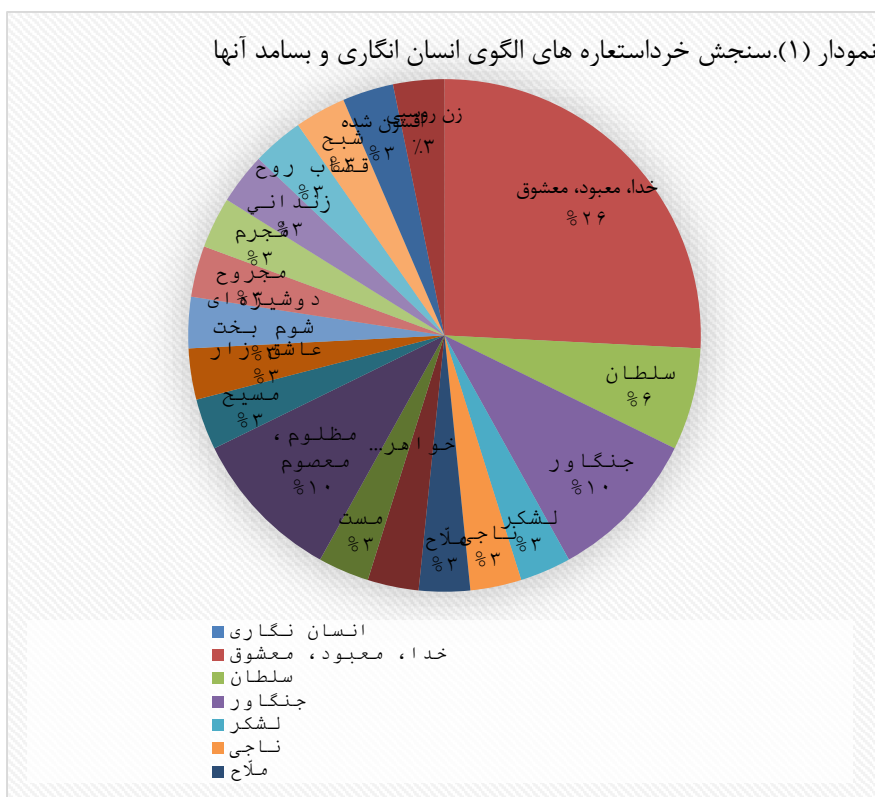
عشق سلطان است	مطاع بودن	۱۰. ما همه فرمانبر عشق تویمیم / در طریقت کافر عشق تویمیم (۱۳۷۵ الف، ص ۶۰۷)
عشق جنگاور است	قدرت/تسلیم‌کنندگی	۱۱. نیزیۀ عاشق سپر می‌افکند / عشق ما را دست و سر می‌افکند (۱۳۷۵ الف، ص ۶۳۵)
	قاهریت و قدرت	۱۲. زین کن اسب شبانه مهتاب را / و با آن لباس سُرّبی زیبا بیا / که در نبرد تن به تن عشق پوشیده بودی! / (۱۳۸۷ ج، ص ۷۲)
	بقابخشی	۱۳. زخم او آب شهادت می‌دهد / اجر عاشق را زیادت می‌هد (۱۳۹۷، ص ۱۲)
عشق لشکر است	قاهریت و قدرت	۱۴. گفتم ز لشکر عشق غیر از ستم ندیدم / گفتا چو بشکند دل عالم مسخر آید (۱۳۸۷ ب، ص ۱۶۵)
عشق ناجی است	نجات‌بخشی	۱۵. من بیفتم عشق بردار مرا / عشق در آینه بگذارد مرا (۱۳۸۷ الف، ص ۶۵۵)
عشق همچون ملاح است	هدایتگری	۱۶. بحر معلق است به ملاح عشق گو / سکان صفت متابعت ناخدا کند (۱۳۸۷ ب، ص ۱۵۰)
عشق مری است	آموزندگی	۱۷. عشق، عصمت به تو می‌آموزد / علم و حکمت به تو می‌آموزد (۱۳۸۷ الف، ص ۶۰۲)
عشق خواهر لبخند و انگور / مادر آینه و نور است	شورانگیزی/راستی / روشنی‌بخشی	۱۸. خواهر لبخند و انگورست عشق / مادر آینه و نورست عشق (۱۳۷۵ الف، ص ۴۷۰)
عشق مست است	سرمستی	۱۹. عشق پیمانه به دست آمده است / روبروی همه مست آمده است (۱۳۸۷ الف، ص ۶۲۲)
عشق مظلوم / معصوم است	مظلومیت/معصومیت	۲۰. عشق را در عصر ما سر می‌پزند / مردم ما خون عاشق می‌خورند (۱۳۸۷ الف، ص ۱۷۷)
		۲۱. عشق عادت کرده آزارش کنند / عشق می‌آید که بر دارش کنند (همان، ص ۱۶۰)
		۲۲. عشق ای مظلوم دورانه‌های دور! / عشق ای معصوم این عصر فجور (۱۳۷۵ الف، ص ۳۶۷)

عشق مسیح است	مصلوب بودن	۲۳. عشق ای مصلوب انسان در عذاب! / عشق ای تنها مسیح لا کتاب! (همان، ص ۳۲۵)
عشق همچون عاشق زار است	نالان بودن	۲۴. عشق باید شیون و زاری کند / اشک باید عشق را جاری کند (همان، ص ۱۹۴)
عشق دوشیزه‌ای شوم‌بخت است	منحوس بودن	۲۵. عشق ای بغض بزرگ مهر و موم / عشق ای دوشیزه زیبای شوم (۱۳۸۷ الف، ص ۱۵۹)
عشق مجروح است	مجروحیت / شکست - خوردگی	۲۶. عشق ای مجروح دست قرن‌ها / عشق ای تنها شکست قرن‌ها (همان، ص ۳۶۷)
عشق آواره‌ایست	آوارگی / نابسامانی	۲۷. عشق من! ما مال عصر خارهایم / عشق من! ما در زمین آواره‌ایم (همان، ص ۱۷۵)
عشق مجرم است	گناهکار بودن	۲۸. عشق را باید چرا تعزیر کرد / عشق را باید ز نو تفسیر کرد (همان، ص ۱۶۰)
عشق زندانیست	محبوس بودن	۲۹. عشق ویرانیست آبادش کنیم / عشق زندانیست آزادش کنیم (همان، ص ۳۲۸)
عشق قصاب روح است	جان‌ستانی	۳۰. عشق ای قصاب جان آدمی! / عشق ای صرع روان آدمی (همان، ص ۳۶۷)
عشق شیخ است	کاهندگی	۳۱. عشق مثل روح، تن را می‌خورد / مثل بز، برگ بدن را می‌خورد (۱۳۷۵ الف، ص ۳۲۴)
عشق افسون شده است	مسخ و افسون شدن	۳۲. شستشو دادند در یک نهر نو / عشق را جادوگران شهر نو (۱۳۸۷ الف، ص ۱۷۶)
عشق زن روسپیست	شهوایی بودن	۳۳. زیر چتر سبزی از دود گراس / لخت می‌شد عشق با یک اسکناس (همان)

**تحلیل:** «عشق جاندار است» کلان‌استعاره‌ای است که مجموعه‌ای از خرداستعاره‌های عشق خداوند/ معبود/ معشوق/ سلطان/ جنگاور/ لشکر/ ناجی/ ملاح / مربی/خواهر لبخند و انگور/ مادر آیینه و نور/اسرمست/ مظلوم/ مسیح/ عاشق زار/ دوشیزه‌ای شوم‌بخت/ مجروح/ آواره/ مجرم/ زندانی/ قصاب روح/ شیخ/ افسون شده/ زن روسپی از آن منشعب شده‌اند (طرحواره تصویری جاندار). با توجه به تناظرهای استعاره‌ای به کار رفته در حوزه‌های مبدأ که خداوند/ معبود/ معشوق/ سلطان/ لشکر/ جنگاور اند کارکردهای شناختی الهی بودن، عبودیت، قاهریت، قدرت،

غیرت، تسلیم‌کنندگی و مطاع بودن از آن درک و دریافت می‌گردد. این نگرش حاکی از بینش عرفانی نسبت به مفهوم عشق است که سلسله‌جنبان جهان هستی و مسلط و حاکم بر ذهن و جان عاشق است و حکم آن قابل مطاع. «حضور این کلان استعاره در آغاز تصوف اسلامی برآیند نوعی نگرش عبد و معبود یا سلطان و رعیتی برای مفهوم‌سازی محبت بوده است.» (هاشمی، ۱۳۹۱) بدیهی است که پربسامدترین کارکرد شناختی در خرداستعاره‌های این الگو در استعاره‌های خدا، معبود، سلطان، جنگاور، لشکر و مظلوم است (۱۷مورد) که غالباً با تأکید بر کارکردهای عبودیت، قهریت، قدرتمندی، تسلیم‌کنندگی، مظلومیت و معصوم بودن جنبه‌های مثبت عشق را الگوسازی میکند. دیگر ویژگیهای مثبت عشق در استعاره‌های تک‌کارکرد ناجی/ملاح / مری/خواهر لبخند و انگور/ مادر آینه و نور/ مست/ الگوسازی شده است (۵مورد) که از این طریق کارکردهای نجات‌بخشی، هدایتگری، آموزندگی، شورانگیزی، راستی، روشنی‌بخشی، سرمستی به حوزه معنایی عشق انتقال می‌یابد. همچنین در این الگوی استعاری با وجود برجسته‌سازی ویژگیها و تأثیرات مثبت عشق بر ذهن و روح عاشق، به جنبه‌ها و کارکردهای منفی آن نیز اشاره شده است. با توجه به عبارتهای زبانی عشق «مسیح/عاشق زار/ دوشیزه‌ای شوم‌بخت/ مجروح/ آواره/ مجرم/ زندانی / قصاب روح / شیخ / افسون شده / روسپی است» (۱۱مورد) میتوان دریافت که نگاشتهای مصلوب بودن، نالان بودن، منحوس بودن، مجروحیت، آوارگی، مجرم بودن، محبوس بودن، جان‌ستانی، کاهندگی، مسخ‌شدگی و شهوانیت از کارکردهای شناختی منفی عشق بوده که از طریق حوزه‌های مبدأ بالا درک و دریافت می‌گردد. بدیهی است که این ویژگیهای منفی در استعاره‌های تک‌کارکرد بالا، میزان بسامد پایین این نوع از استعاره‌ها را در متن نشان میدهد.





### گیاه‌انگاری

جدول (۳-۲). خرداستعاره‌های مرتبط با الگوی گیاه‌انگاری عشق و کارکردهای شناختی آنها با توجه به تناظرهای استعاری

نمونه شعری	کارکرد شناختی	خرداستعاره‌ها
۳۴. فرقی به حال ناله بلبل نمی‌کند/ هر جا جنون شکوفه کند آشیانه‌ایست (۱۳۸۷، ص ۴۴)	شکوفندگی / رویش/طراوت- بخشی/داغدیدگی	عشق گل (لاله، شقایق... است)
۳۵. عشق را هموزن با گل می‌کشند/ از رگ گل خون بلبل می‌کشند (۱۳۸۷، الف، ص ۵۳۷)		
۳۶. جز داغ سرخ لاله عشق تو نیستیم / خیزد ز شوق دامن تو گر غبار ما (۱۳۸۷، ب، ص ۸۱)		
۳۷. من گل صد شاخه عشقم در بهار / عاشقم نه بر هزاران در هزار (۱۳۸۷، الف، ص ۵۱۳)		
۳۸. عشق می‌روید با سبزینه‌ها / مهر می‌تابد در آینه‌ها (همان، ص ۵۰)		
۳۹. من آن شقایق عشقم درون پهنه عشق / میان سینه من زخم کاریم بنگر (۱۳۸۷، ب، ص ۳۲۲)		

**تحلیل:** از آنجا که عشق در وجود عاشق ریشه دوانده و رشد میکند الگوی گیاه‌انگاری عشق الگوی مناسبی جهت عینیت‌بخشی به آن است این الگوی استعاری که از اسم نگاشت کلی «عشق، گیاه است» دریافت میشود نشان از تجسم و عینیت‌بخشی به این حوزه انتزاعی است (طرحواره تصویری جاندار). عبارت عشق گل (لاله/ شقایق...) است خرداستعاره‌ای است که کارکردهای شناختی شکوفندگی، رویش، زیبایی، طراوت‌بخشی و داغدیدگی در ارتباط با این حوزه معنایی از آن مستفاد میگردد. برجستگی کارکردهای مثبت در این الگو (۶ مورد) عشق را نزد شاعر تجربه‌ای مثبت و خوشایند معرفی مینماید. این الگوی استعاری در شعر عزیزی کاربرد کمی دارد.

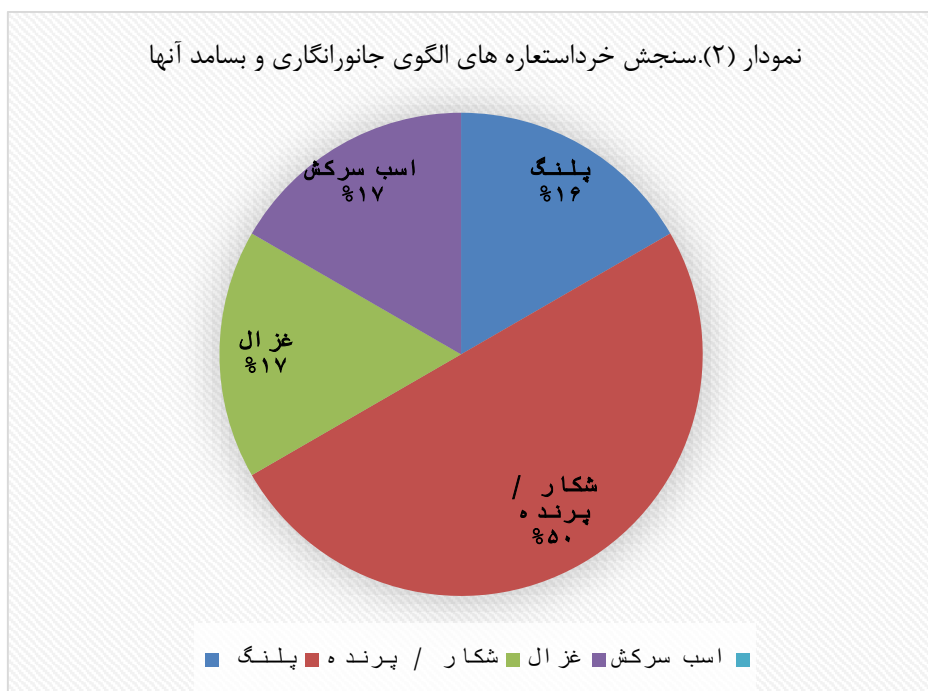
### جانورانگاری

جدول (۳-۳). خرداستعاره‌های مرتبط با الگوی جانورانگاری عشق و کارکردهای شناختی آنها با توجه به

#### تناظرهای استعاری

خرد استعاره‌ها	کارکرد شناختی	نمونه شعری
عشق پلنگ است	قدرت	۴۰. ای پلنگ عشق، قوچ آمد، بیا / عارفا هنگام کوچ آمد، بیا (۱۳۹۷، ص ۱۱۱)
عشق شکار / پرنده است	زخم‌خوردگی	۴۱. تیر می‌باید شکار عشق را / زخم می‌کن خارخار عشق را (۱۳۸۷ الف، ص ۶۳۶)
		۴۲. هر که یک شب مهربان شد صبح مُرد/عشق هر جا آشیان زد تیر خورد (همان، ص ۱۷۵)
	شکوه و زیبایی	۴۳. صدای تو/ صدای بره‌های کوه موعود است/ و پرهای سپید عشق (۱۳۸۷ ج، ص ۱۷)
عشق غزال است	رمندگی	۴۴. عشق غزالی‌ست که طوفان رم است / لفظ در این بادیه نامحرم است (همان، ص ۴۰۸)
عشق اسب سرکش است	رام‌نشدنی/سرکشی	۴۵. عشق تو از عصر آتش با من است / تا ابد این اسب سرکش با من است (همان، ص ۲۵۷)

**تحلیل:** در الگوی جانورانگاری عشق، استعاره اصلی از طریق اسم نگاشت «عشق جانور است» دریافت میگردد و خرداستعاره‌های حیوان/ پلنگ/ شکار/ پرنده/ غزال/ اسب سرکش از این استعاره اصلی منشعب شده‌اند (طرحواره تصویری جاندار) که تناظرهای قدرت، شکوه، زیبایی، سرکشی، رام‌نشدنی و زخم‌خوردگی از آنها دریافت میگردد. در این الگوی استعاری، شاعر غالباً بر کارکردهای منفی عشق تأکید میکند؛ به نحوی که در ویژگیهای زخم‌خوردگی، رام‌نشدنی و سرکشی جنبه‌های منفی عشق را مجسم نموده (۴ مورد) و با کمک استعاره‌های پلنگ و پرنده از طریق برجستگی نگاشت قدرت، شکوه و زیبایی جنبه‌های مثبت عشق مفهوم‌سازی شده است (۲ مورد). ضمن اینکه پربسامدترین کارکرد شناختی در این الگو در استعاره‌های شکار/پرنده مفهوم‌سازی شده است. این الگوی استعاری نیز همچون الگوی پیشین کاربرد کمی دارد.



### جسم‌انگاری

جدول (۳-۴). خرداستعاره‌های مرتبط با الگوی جسم‌انگاری عشق و کارکردهای شناختی آنها با توجه به تناظرهای استعاری

نمونه شعری	کارکرد شناختی	خرداستعاره‌ها
۴۶. عشق در من شعله‌ای سرکش نهاد / پایسه سوز مرا آتش نهاد (۱۳۷۵ الف، ص ۵۳۰)	فناکندگی / تهذیب‌کنندگی	عشق آتش است
۴۷. کس چراغ عشق را روشن نکرد / عکس گل را نقش پیراهن نکرد (همان، ص ۲۱۰)	روشنی‌بخشی و هدایتگری	عشق چراغ است
۴۸. می‌کشی ما را به داغ شور و حال / ای چراغ سبزه حق! ای خط و خال (۱۳۸۷ الف، ص ۶۲۶)		
۴۹. به نور عشق می‌گردد عسس هر لحظه در کویت / به کوی سرمه می‌تابد چراغ چشم جادویت (۱۳۸۷ ب، ص ۱۱۶)	روشنایی‌بخشی	عشق نور است
۵۰. چند شب را زیر نور ماه عشق / خفته باشم در زیارتگاه عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۶۵۵)	درخشندگی	عشق ماه است
۵۱. گفتم به برج اخضر طوفان سرخ بینم / گفتم ستاره عشق بر بحر احمر آید (۱۳۸۷ ب، ص ۱۶۷)	نورانیت / آسمانی	عشق ستاره است
۵۲. با دو ابروی تو دو باروی عشق / با نگاهت کیمیا داروی عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۵۲۱)	کمال‌بخشی	عشق کیمیاست

۵۳. امشب خمار عشقم جامم به دست باشد/عهد من و خم می عهد الست باشد (۱۳۸۷ب، ص ۳۳۶)	سکرآوری	
۵۴. عشق را نیمه شبان می‌نوشند / شهد معنی به زبان می‌نوشند (۱۳۸۷الف، ص ۶۱۷)	معنویت‌بخشی	
۵۵. شیخ و شابی نبود بر در میخانه عشق/ پیر ما گر بزند باده جوان خواهد شد (۱۳۸۷ب، ص ۱۳۷)	انبساط‌بخشی دل	عشق، باده است
۵۶. ما به یاد او خموشی می‌کنیم/ یا به عشقش باده‌نوشی می‌کنیم (۱۳۹۷، ص ۹۳)	تابوشکنی دینی	
۵۷. ای مآل خویشان را کرده گم/ باده می‌نوشی و می‌خندی به خم (همان)	عقل‌زدایی	
۵۸. درد عاشق چه کند درمان؟ عشق / آخ از لذت یک لیوان عشق (۱۳۸۷الف، ص ۶۱۹)	درمانگری	عشق، دارو است
۵۹. دل مثل مرغ بسمل خون می‌فشانند بر گل/ شادان به شوق تیغش سر می‌دوید چون پا (۱۳۸۷ب، ص ۳۹)	زندگی‌بخشی	
۶۰. عزیز شمشیر غمش ما عاشقان بی‌نصیب‌ناله‌ای داریم و آن هم آنقدر جانکاه نیست (همان، ص ۱۰۵)	جراحت- دهندگی	عشق تیغ/خنجر است
۶۱. زخم او آب شهادت می‌دهد/ اجر عاشق را زیادت می‌هد (۱۳۸۷الف، ص ۶۳۶)	بقابخشی	
۶۲. مثل سوزن، سوز یک آخ است عشق/ از درون سوراخ سوراخ است عشق (همان، ص ۶۳۶)	هیجان‌ات شدید	عشق سوزن است
۶۳. ببین طوفان عشقت را که در آن/ صغیر ناله مرغ هوا من (۱۳۸۷ب، ص ۴۶۵)	فناکنندگی	
۶۴. درین ساحل که از مرجان عشق است/ به صحرا بنگرم طوفان عشق است (۱۳۷۲الف: ۲۲۹)		عشق طوفان است
۶۵. هر که شد تن در رهش مجروح‌تر/ خود در این طوفان بدانش نوح‌تر (۱۳۸۷الف، ص ۶۳۶)	تسلیم‌کنندگی	
۶۶. عشق می‌بارید روی پشت بام/ یاس استنطاق می‌کرد از مشام (همان، ص ۲۶۱)	لطافت / رویندگی	عشق، باران است
۶۷. همه آب بقای عشق خوردیم / خدا در ما تجلی کرد و مُردیم (۱۳۷۲، ص ۱۰)	بقابخشی	عشق آب بقاست
۶۸. سایه‌ها وقف بیابانها شود/ عشق تصنیف خیابانها شود (۱۳۷۵الف، ص ۴۰۲)		
۶۹. تا ابد نجوای تو در گوش ماست / حسرت تو کودک آغوش ماست (همان: ۳۲۴)	شورانگیزی	عشق تصنیف/ نجوا/ ترانه است
۷۰. و ما برای انهدام خاطرات هیچ کوچهای / ترانه‌های خویش را/ سید نمی‌کنیم/ و غیر عشق را/ به خانه‌های خود نمی‌بریم (۱۳۸۷ج: ۳۱)		
۷۱. صدف دارم پر از درّ و گهر من/ اگر مـوجی بیارد در کنارم (۱۳۸۷ب، ص ۲۰۱)	ارزش‌بخشی	عشق شیء ارزشمند ( درّ گوهرا)
۷۲. عشق اینجا خفته در عمق مفاک/عشق یعنی یک النگو زیر خاک (۱۳۸۷الف، ص ۱۷۶)		گنج النگو/جنس

۷۳. هرچه انسانها طلائی تر شدند/ عشقها هم مومیایی تر شدند (همان)		مومیایی/باستانی)
۷۴. عشق و نیرنگ سلامت چه خیال است؟ / این گنج که جز راه به ویرانه ندارد (۱۳۸۷، ب، ص ۲۹۱)	ارزش‌بخشی - لزوم فناشدن	است
۷۵. از علی و آل او جو درد عشق / جفت شش آورده حق در نرد عشق (۱۳۷۵ الف، ص ۴۲۸)	پاکبازی	عشق همچون نرد است
۷۶. عشق می‌ریزد ز پای مژه حیران ما / سرمه را از بس ز چشمان تو افسون کرده‌اند (۱۳۸۷، ب، ص ۱۶)	تهذیب‌کنندگی	عشق اشک است
۷۷. هدیه عاشق گل آهست و بس / آینه عشق نگاه است و بس (۱۳۸۷ الف، ص ۴۰۸)	راستی	عشق آینه است
۷۸. ای که بال عشق داری اوج گیر / وز تلاطم‌های بالا مـــــــوج گیر (همان، ص ۵۴۱)	تعالی‌بخشی	عشق، بال و پر است
۷۹. مهربانی عشق بی‌بال و پری‌ست / عشق بال و پرش بالاتری‌ست (۱۳۷۵ الف، ص ۳۲۶)		
۸۰. به عشق انداز نفس فتنه‌جو را / بشوی از آب پاکی دست و رو را (۱۳۷۲، ص ۲)	تهذیب‌کنندگی	عشق، آب است
۸۱. گفتم به دیده خون موج جنون گرفتم / گفتم که کشتی عشق از بحر احمرآید (۱۳۸۷، ب، ص ۱۶۵)	نجات‌بخشی	عشق کشتی است
۸۲. یک نفر از عشق بالا رفته است / زیر چتر حق تعالی رفته است (۱۳۸۷ الف، ص ۱۷)	تعالی‌دهندگی	عشق نردبان است
۸۳. دل اگر صیقلی عشق نخورد سنگش به / ننگ باد آینه را گر به صفایی نرسد (۱۳۸۷، ب، ص ۱۳)	تهذیب‌کنندگی دل	عشق صیقلی است
۸۴. ناگهان در حیاط خلوت من / زنگ یک عشق در صدا آمد (۱۳۸۷، ج، ص ۳۰۷)	آگاهی‌بخشی	عشق، زنگ است
۸۵. می‌کشی ما را به داغ شور و حال / ای چراغ سبز حق! ای خط و خال (۱۳۸۷ الف، ص ۶۲۶)	زیبایی / شورانگیزی	عشق خط و خال است
۸۶. عشق! ای تنها صدا تنها طنین / ای بت آخر! تو مشکن در زمین (۱۳۷۵ الف، ص ۳۶۳)	معبود بودن	عشق، بت است
۸۷. عشق یهودا کده جوش ماست / عشق صلیبی‌ست که بر دوش ماست (همان، ص ۴۲۹)	مصلوب - کنندگی	عشق صلیب است
۸۸. مهربانی در قفس می‌نوشد آب / عشق پرپر می‌زند لای کتاب (همان: ۳۶۶)	فراموش شدن	عشق نوشته لای کتابهاست

**تحلیل:** در الگوی جسم‌انگاری مفهوم عشق، استعاره اصلی از عبارت «عشق ماده است» دریافت میشود و مفاهیمی چون آتش / تیغ / باده / دارو / باران / اشک / آینه / صیقلی / بال و پر / نردبان / گنج و گوهر / کیمیا / آب بقا / نرد / سوزن / خط و خال / زنگ از جمله حوزه‌های مبدایی هستند (طرحواره تصویری شیء) که از طریق تناظرهای فناکنندگی، جراحت‌دهندگی، سکرآوری، درمانگری، رویندگی، تهذیب‌کنندگی، تعالی‌بخشی، کمال‌بخشی، حیات‌بخشی، پاکبازی، هیجان‌عاطفی، زیبایی، شورانگیزی و آگاهی‌بخشی در رابطه با حوزه‌های مقصد عشق نگاشته شده‌اند. در این الگو، حوزه‌های مبدأ از جهت تبیین مفهوم عشق و کیفیت تأثیرگذاری آن بر عاشق به

حوزه‌های مثبت و منفی قابل تقسیم هستند. از میان حوزه‌های مبدایی که نشان‌دهنده کارکردهای مثبت و خوشایند عشق در ذهن و جان عاشقند، استعاره‌های چراغ/ ماه/ ستاره/ نور/ نردبان/ بال و پر/ شیء ارزشمند/ کیمیا/ دارو/ آب بقا/ اشک/ سوزن/ آب/ آینه/ باران/ کشتی/ صیقلی/ زنگ/ خط و خال/ بت/ نرد/ تصنیف هستند. با توجه به اینکه در قرآن، خداوند نور دانسته شده است «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۰) تجلی عشق نیز نزد شاعر به صورت نور در قالب چراغ/ نور/ ماه/ ستاره مفهوم‌سازی شده است (طرحواره تصویری نور). پربسامدترین کارکرد شناختی در این گروه استعاره‌ی سکرآوری، عقل‌زدایی، ارزش‌مندی، شورانگیزی، جراحات‌دهندگی، زندگی‌بخشی، فناکنندگی، تسلیم‌کنندگی، هدایتگری و تعالی‌بخشی عشق است که در استعاره‌های باده، شیء ارزشمند، تصنیف، تیغ، طوفان، چراغ، بال و پر با ترکیبی از بار شناختی مثبت و منفی تصاویر نسبتاً خوشایندی را از عشق الگوسازی میکنند و با توجه به بسامد بالا (۲۲ مورد)، اصول کلی جهان‌بینی شاعر را تشکیل میدهند. البته دیگر ویژگیهای مثبت عشق در استعاره‌های تک‌کارکرد دارو/ کیمیا/ نردبان/ سوزن/ باران/ اشک/ صیقلی/ آب/ کشتی/ آب بقا/ نرد/ آینه/ زنگ/ بت/ خط و خال الگوسازی شده است (۱۵ مورد) که از این طریق کارکردهای درمانگری، کمال‌بخشی، تعالی‌دهندگی، هیجان‌ات‌شدید عاطفی، رویندگی، تهذیب‌کنندگی، نجات‌دهندگی، بقابخشی، پاکبازی، راستی، آگاهی‌بخشی، معبود بودن و زیبایی به حوزه معنایی عشق انتقال یافته است.

با وجود برجسته‌سازی خصوصیات و تأثیرات مثبت عشق در شعر احمد عزیزی، جنبه‌های منفی و ناخوشایند آن از دید شاعر پنهان نمانده و از طریق ویژگیهای فناکنندگی، جراحات‌دهندگی، عقل‌زدایی، مصلوب‌کنندگی و فراموش شدن در حوزه‌های مبدأ آتش/ طوفان/ تیغ و خنجر/ باده/ صلیب/ نوشته لای کتاب بدانها اشاره شده است. پرکاربردترین کارکرد شناختی در خرداستعاره‌های این گروه، فناکنندگی و جراحات‌دهندگی عشق است که در استعاره‌های طوفان، تیغ و آتش بر جنبه‌های منفی آن تأکید مینماید (۴ مورد).

با توجه به تناظرهایی که شاعر به کمک استعاره بین قلمروهای مبدأ و مقصد می‌آفریند، به منظور تعدیل برخی کارکردهای منفی حوزه معنایی عشق کوشیده است تا از طریق خلق ویژگیهای مثبت آن بر جنبه‌های خوشایند آن تأکید بیشتری نماید و این موجب خلق پارادوکسهای معنایی در حوزه شناختی مفهوم عشق میگردد. به عنوان نمونه، عبارت استعاره «عشق آتش است» دارای دو کارکرد متناقض است؛ هم فناکننده است و هم زندگی‌بخش و با قدرت تهذیب‌کنندگی هواجس نفسانی و عقده‌های روحی را از دل و جان عاشق میزداید. همچنین بر اساس تناظرهایی که قلمرو باده با قلمرو عشق به وجود می‌آورد، یکی از مهمترین کارکردهای شناختی شراب و باده در شعر عزیزی مفهوم‌سازی مستی حاصل از عشق و شورانگیزی آن است. «از آنجا که سکر حالی بود که از غلبه محبت پدید می‌آمد و مستی ظاهر حالی بود که از نوشیدن شراب حاصل میشد، طبیعی بود که صوفیه این محبت را به شراب و خمر تشبیه کنند.» (پورجوادی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹) استعاره باده عشق دو کارکرد متناقض را مفهوم‌سازی میکند؛ از یک سو تابوشکن و عقل‌زداست و از سویی دیگر معنویت‌بخش، روح‌پرور، سکرآور و انبساط‌بخش دل (۵ مورد)؛ زیرا که مستی ظاهری حاصل از عشق، بی‌خویشی و فنا شدن از تعینات هستی را به دنبال دارد. نیز، در عبارت استعاره «عشق تیغ است» هم به ویژگی جراحات‌دهندگی مفهوم عشق اشاره دارد و هم بر کارکرد زندگی‌بخشی و بقابخشی آن تأکید میکند (۳ مورد).



۹۶. به راه عشق می‌رویم/ اگرچه بسته است راه عشق! / باز هم/ به راه عشق می‌رویم (همان، ص ۶۸)	موانع عشق	
۹۷. جاده‌های سبز آوازست عشق/ کاردان فتی نازست عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۶۲۶)	شکوه و زیبایی	
۹۸. حشر داغ لاله‌رویان است عشق/ وادی لیبیک‌گویان است عشق (همان، ص ۶۴۹)	عظمت	
۹۹. جاده‌ای همچو طلب نیست درین وادی عشق/ تا به سر حد جنون اینهمه راه آمده‌ای (۱۳۸۷ ب، ص ۲۹۷)	بیکرانگی	عشق / صحرا / وادی‌ست
۱۰۰. در وادی عشق تو که صیاد، چو آهوست/ من صید بلا دیده به کار که بیایم؟ (همان، ص ۳۲۲)	بیکرانگی	
۱۰۱. آه ز صحرای عشق وادی پیدای عشق/ در دل این سبزه‌زار چشمه‌زار حیوان کیست (همان)	بیکرانگی	
۱۰۲. چشم در راه جنون چشم لیلی مانده‌ایم/ آه ای صحرای بی‌پایان سوار ما چه شد؟ (همان، ص ۶۵)	بیکرانگی	
۱۰۳. چند شب را زیر نور ماه عشق/ خفته باشم در زیارتگاه عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۶۵۵)	عشق / جناب / صحن / آستانه / زیارتگاه است	
۱۰۴. اینجا شفای ناله به دست زبانه‌ایست/ آری جناب عشق بلند آستانه‌ایست (۱۳۸۷ ب، ص ۵۹)	قداست/شکوه	
۱۰۵. از کعبه جمال تو بت هم نشانه‌ایست / هر جا که عشق خیمه زند آستانه‌ایست (همان، ص ۴۳)	وه	
۱۰۶. کاش صحن عشق غرق دانه بود / مهربانی کاش بیرحمانه بود (۱۳۸۷ الف، ص ۶۴۹)	عشق / جناب / صحن / آستانه / زیارتگاه است	
۱۰۷. چه گویم وحشت بحری که باشد/ نهنگ ساحلش در انتظارم (۱۳۸۷ ب، ص ۲۰۱)	فناکنندگی - نابودگری	عشق دریا/موج است
۱۰۸. ز هیچ سو اثر بادبان و ساحل نیست / نهنگ موج عشق تو بحر می‌زاید (همان، ص ۱۶۱)	فناکنندگی - نابودگری	
۱۰۹. ازین دریای طوفانی چه ساحل می‌توان جستن/ مگر دل‌های خونین را به بحر احمر اندازیم (همان، ص ۲۲۳)	فناکنندگی - نابودگری	
۱۱۰. چیست هستی؟ باشه‌ای بر اوج عشق/ کیست انسان؟ لاشه‌ای در موج عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۴۷۰)	فناکنندگی - نابودگری	
۱۱۱. عشق چون دریاست ما مثل سیو/ دجله‌ای داریم دایم روبرو (۱۳۸۷ الف، ص ۶۴۴)	فناکنندگی - نابودگری	
۱۱۲. به عشق می‌رویم/ از ابتدا/ به انتهای عشق/ از ارتفاع ابر بنگرید! / به عمق عشق می‌رویم (۱۳۸۷ ج، ص ۵۸)	بیکرانگی	
۱۱۳. در عشق فرو رفته‌ام تا گل / (همان، ص ۸۶)	گرفتارسازی	عشق مرداب است
۱۱۴. فقر و غنا گدای در خانه وی اند/ کاخی که ما به دامنه عشق کوختیم (۱۳۸۷ ب، ص ۲۸۴)	شکوه و عظمت	عشق / کاخ / بارگاه است



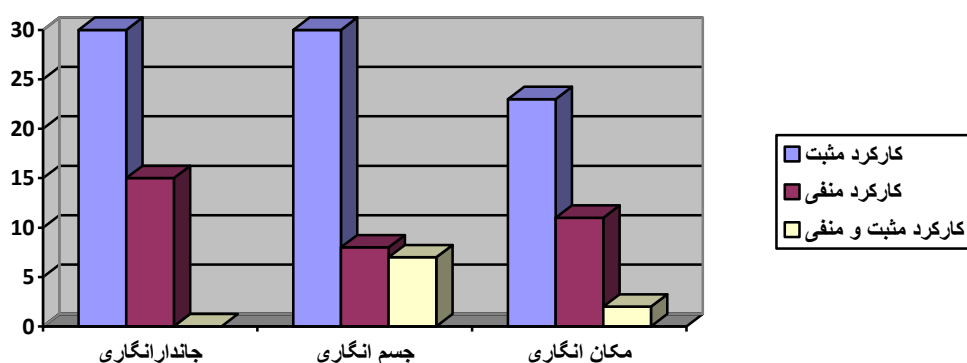
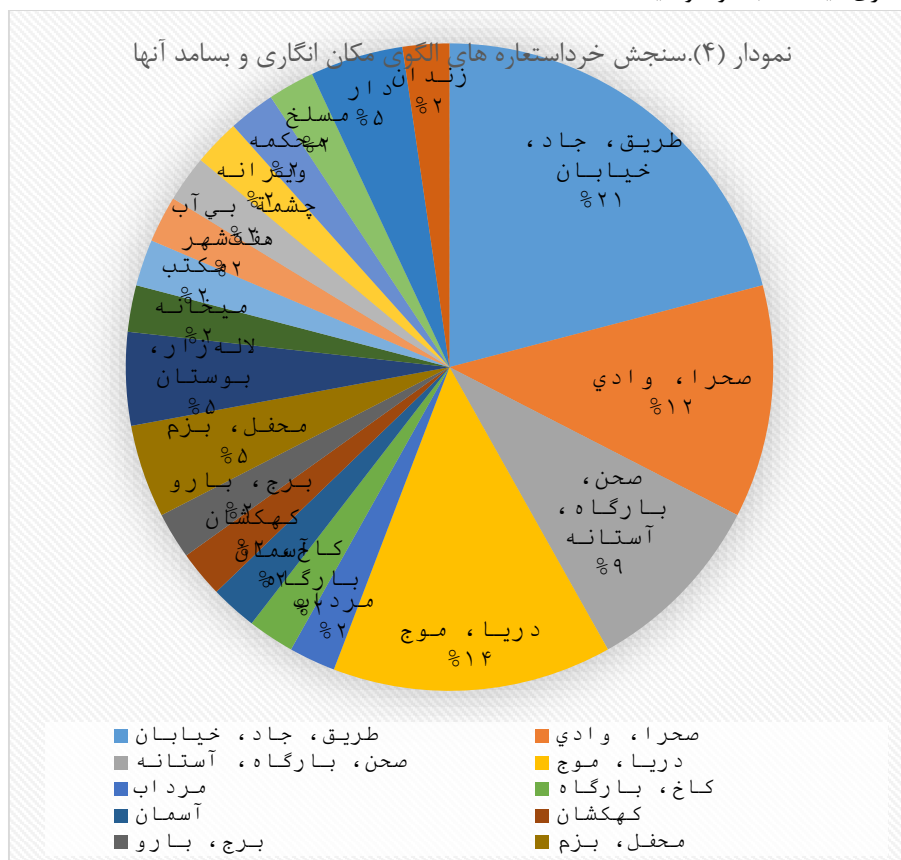
عشق آسمان است	عظمت/آسما نی	۱۱۵. چیست هستی؟ باشه‌ای بر اوج عشق/کیست انسان؟ لاشه‌ای در موج عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۴۷۰)
عشق کهکشان است	بیکرانگی/ آسمانی	۱۱۶. از گرد راه آمده این کهکشان عشق/چون صد هزار ارض در اینجا سما کند (۱۳۸۷ ب، ص ۱۵۲)
عشق برج/بارو ست	شکوه عظمت و	۱۱۷. با دو ابروی تو دو باروی عشق / با نگاهت کیمیا داروی عشق (۱۳۸۷ الف، ص ۵۲۱)
عشق محفل/ بزم است	طربناکی/ شورآنگیزی	۱۱۸. تا ز تار سر زلفین شما پرده فتاد/مجلس عشق همه شور و نوا می‌بینم (۱۳۸۷ ب، ص ۲۱۰) ۱۱۹. کو دلبری که این دل شب یاد ما کند/ ما را به بزم کوچه عشقی صدا کند (همان، ص ۱۵۳)
عشق بوستان/ل اله‌زار است	داغ‌دیدگی	۱۲۰. یکدم در این گلستان بی داغ دل نبودیم/یا لاله‌زار عشقی یا گلشن جمالی (همان، ص ۲۷۰) ۱۲۱. ببین به یاد شهیدانت ای بهار جنون / تمام دامنه عشق لاله‌کارانند (همان، ص ۱۵۷)
عشق میخانه است	طربناکی و شورآنگیزی	۱۲۲. شیخ و شابی نبود بر در میخانه عشق/پیر ما گر بزند باده جوان خواهد شد (۱۳۸۷ ب، ص ۱۳۷)
عشق مکتب است	آموزندگی	۱۲۳. مکتب عشق برو لیلی و مجنون بنگر/طفل دل را که درین درس چه استاد آمد (همان، ص ۱۴۱)
عشق هفت شهر است	وسعت عظمت /	۱۲۴. از هفت شهر عشق هم بیرون رود افسانه‌اش/ در قوطی اسرار ما هر کس که عطاری کند (همان، ص ۱۵۶)
عشق چشمه بی‌آب است	سراب بودن	۱۲۵. اطرافیان عشق به من گفتند: اطراف عشق نگرد/ یک جرعه پیدا نمی‌شود/ حتی یک جرعه (۱۳۸۷ ج، ص ۳۹)
عشق ویرانه است	ویرانی	۱۲۶. عشق ویرانیست آبادش کنیم/ عشق زندانیست آزادش کنیم (۱۳۷۵ الف، ص ۳۲۸)
عشق محکمه است	عقوبت	۱۲۷. در محکمه عشق چه پروای عقوبت/ شاهد چو بود لاله شقایق چو گواه است (۱۳۸۷ ب، ص ۲۸۴)

عشق مسلخ است	عقوبت	۱۲۸. در مسلخ عشق در خون تپیدیم/ یارب ز شوقت الله الله (همان، ص ۲۴۹)
عشق، دار است	تسلیم- کنندگی/ تعالی‌بخشی	۱۲۹. بر دار عشق جنس انال‌الحق حراج شد/ منصور من چرا به رهش سر نمیدهی (همان، ص ۲۷۹) ۱۳۰. یا به تیغی سر سپردن یا به داری بر شدن/ عاشقان این رسم را در عشق قانون کرده‌اند (همان، ص ۱۶)
عشق زندان است	عقوبت	۱۳۱. بود علی اشتعال باقی عالم مثال/ هرچه زلیخا خیال یوسفِ زندان عشق (همان، ص ۳۱۷)

**تحلیل:** گاهی برای مفهوم‌سازی امور انتزاعی و تجسم آن از عنصر حرکت استفاده میشود. بدین معنی که مفهوم انتزاعی پس از تبدیل حالت ذهنی آن به صورت امور مادی و جسمانی قابلیت ظهور پیدا میکند. «در طرحواره حرکتی یک متحرک وجود دارد که مسافت بین دو مؤلفه مبدأ و مقصد را میپیماید.» (لیکاف و جانسون، ۱۳۹۴ ص ۶۲) مفهوم انتزاعی «عشق» به کمک استعاره هستی‌شناختی از طریق ساخت استعاره مفهومی «عشق به منزله طریق/راه/جاده/خیابان/کوچه است» همچون مسیر/مقصودی تصور شده (طرحواره تصویری مسیر/مقصد) که با وجود خطرآفرین بودن در انتها به وصال می‌انجامد. در حقیقت این حوزه‌های مبدأ کارکردهای خطرآفرینی، عظمت، اعتلا، موانع و وصال‌بخشی را به حوزه مقصد عشق منتقل میکنند. به غیر از ویژگی خطرآفرینی و وجود موانع که از جنبه‌های منفی عشق بوده پربسامدترین کارکرد شناختی در خرداستعاره‌های این گروه، وصال‌بخشی عشق و پایان خوشایند آن است که از طریق استعاره‌های بالا قابل درک و دریافت است (۳مورد).

همچنین «عشق، به مثابه ظرف است» کلان‌استعاره‌ای است که مفاهیم صحرا/وادی/صحن و آستانه/دریا/بارگاه/آسمان/کهکشان/دار/برج و بارو/محل/لاله‌زار/میخانه/مکتب/هفت شهر/چشمه بی‌آب/مرداب/ویرانه/محکمه/مسلخ/زندان به عنوان متداول‌ترین حوزه‌های مبدأیی هستند (طرحواره تصویری ظرف/مکان) که در رابطه با حوزه مقصد عشق بیان‌کننده عظمت، بیکرانگی، قداست، تسلیم‌کنندگی، فناکنندگی، آسمانی بودن، تعالی‌بخشی، شورانگیزی، داغدیدگی، آموزندگی، گرفتارسازی و عقوبت عشق اند. این گروه استعاری با ترکیبی از بار شناختی مثبت و منفی تصاویر هم خوشایند و هم ناخوشایندی را از عشق الگوسازی میکنند. پربسامدترین کارکرد شناختی مثبت در خرد استعاره‌های این گروه عظمت، بیکرانگی، تسلیم‌کنندگی، قداست، آسمانی بودن، شورانگیزی، داغدیدگی تسلیم‌کنندگی و تعالی‌بخشی عشق است که در استعاره‌های دریا/صحرا و وادی/صحن و آستانه/محل و میخانه/لاله‌زار و دار قابل دریافت میباشد (۱۷مورد). نیز کارکردهای شناختی آسمانی و الهی بودن، عظمت، وسعت و آموزندگی از دیگر جنبه‌های مثبت عشق بوده که در استعاره‌های تک‌کارکرد آسمان/کهکشان/بارگاه/بارو/هفت شهر و مکتب الگوسازی شده است. با وجود برجسته‌سازی کارکردهای مثبت عشق، به جنبه‌های منفی و ناخوشایند آن نیز در این الگو اشاره شده که پرکاربردترین کارکرد شناختی مربوط به ویژگیهای فناکنندگی و عقوبت در حوزه‌های مبدأ دریا، مسلخ، محکمه و زندان است (۸ مورد). همچنین در این الگو با کمک استعاره‌های تک‌کارکرد چشمه بی‌آب، مرداب و ویرانه ویژگیهای سراب بودن، گرفتارسازی و ویرانی برای عشق نگاشت شده

است (۳ مورد). با توجه به الگوهای استعاری این گروه و بسامد ابیات، در مجموع تصاویری که شاعر از عشق مفهوم‌سازی میکند مثبت و خوشایند است.



نمودار (۵). کارکردهای مثبت و منفی عشق در ۳ کلان استعاره

#### ۴. نتیجه‌گیری

عشق به عنوان یک تجربه‌ی شهودی و انتزاعی به منظور شناخته شدن به حوزه‌های ملموس و عینی نیاز دارد. یافته‌ها حاکی از آن است که حضور سه کلان‌استعاره‌ی عشق جاندار (انسان/ گیاه / حیوان) است، عشق ماده است و عشق مکان (ظرف) است در دستگاه ذهنی شاعر کاملاً بر متن سیطره دارد. با توجه به این کلان‌استعاره‌هاست که بسیاری از استعاره‌های هستومند و ماده‌مربوط به عشق در جایگاه خرداستعاره‌ها، در جهت حمایت از آنها آفریده می‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته در خصوص کاربرد خرداستعاره‌های عشق در مثنویها و مجموعه غزلیات احمد عزیزی، این نتیجه حاصل شد که از مجموع ۱۳۱ بیت منتخب و از میان ۷۴ گروه استعاری، ۲۸ خرداستعاره مرتبط با الگوی جسم‌انگاری عشق استفاده شده، ۲۶ مورد جاندارانگاری و ۲۰ مورد مکان‌انگاری. بررسی نگاشته‌های میان حوزه‌های مبدأ و مقصد عشق نشان‌دهنده کارکردهای شناختی و گاهی تناقض‌گونه این مفهوم است از آن جمله: الهی و آسمانی بودن، عبودیت، قاهریت، هدایتگری، نجات‌بخشی، روشنایی‌بخشی، تهذیب‌کنندگی، تعالی‌بخشی، شورانگیزی، ارزش‌بخشی، بیکرانگی، عقل‌زدایی، جراحی‌دهندگی، فناکنندگی، خطرآفرینی، وصال‌بخشی، تسلیم‌کنندگی، مظلومیت و عقوبت عشق. با در نظر گرفتن بسامد استعاره‌های به کار رفته و کارکردهای شناختی آنها میتوان استعاره‌های سه‌گانه را در سه گروه جای داد؛ استعاره‌های پرسامد که تنها ویژگیها و کارکردهای خوشایند و مثبت دارد مانند خداوند، معبود، سلطان، جنگاور، مظلوم، شیء ارزشمند، تصنیف، چراغ، بال و پر، دار، آستانه، لاله‌زار، محفل و میخانه. این استعاره‌ها به سبب رعایت مطابقت‌های بین دو حوزه، نقش ویژه‌ای در مفهوم‌سازی جنبه‌های گوناگون عشق دارد. دسته دوم، استعاره‌هایی که فقط جنبه‌های منفی دارد مانند مجرم، مجروح، شکست‌خورده، آواره، قصاب روح، شکار، طوفان، محکمه، مسلخ و زندان. گروه سوم نیز، استعاره‌های پرکاربرد که هم کارکردهای مثبت دارد و هم جنبه‌های منفی مانند طریق/مسیر، دریا و باده که البته کارکردهای مثبت آنها بر جنبه‌های منفی می‌چربد. پر واضح است که نگرش شاعر به جنبه‌های منفی حوزه شناختی عشق در چارچوب شرایط تاریخی و اجتماعی عصر بوده و اقتضائاتی که در شعر شاعر نمودی خاص می‌یابد. بررسی کارکردهای مثبت و منفی خرداستعاره‌ها نشان می‌دهد که دیدگاه احمد عزیزی نسبت به تجربه شهودی عشق غالباً خوشایند و مثبت است.

#### مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان استخراج شده است. جناب آقای دکتر فیروز فاضلی راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای دکتر رضا چراغی بعنوان مشاور و دانشجو آقای محسن محسناتبار، پژوهشگران این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر میباشد.

#### تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از گروه زبان و ادبیات فارسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه گیلان اعلام نمایند.

### تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

### REFERENCES:

Quran-e Karim.

Agha Hoseini, Hosein and Zare, Zainab. (2013). Aesthetic analysis of the language structure of Ahmad Azizi's poetry based on Kafshhaye mokashefeh, Linguistic Research, Volume 3, Number 5, pp. 1-18.

Ishani, Tahereh. (2014). Reflection of religious discourse in Ahmad Azizi's poems, 10th international conference on promotion of Persian language and literature of Mohaghegh Ardabili University, pp. 1-7.

Behnam, Mina. (2009). Conceptual Metaphor of Light in Divan Shams, Literary Review, Year 3, Number 10, 91-114.

Porjavadi, Nasrullah. (2009). The wind of love: a research on the meaning of wind in Persian mystical poetry, Tehran: Karnameh, pp. 119-177.

Khani, Saman and Marouf, Yahya. (2014). Dissertation "Comparative study of love in the poems of Yahya Samavi and Ahmad Azizi", Razi Kermanshah University.

Rasekh Mahand, Mohammad. (2009). An introduction to cognitive linguistics, Tehran: Samt.

Rowshan, Belqis and Ardabili, Leila. (2012). An introduction to cognitive semantics, Tehran: Elm.

Sharoni, Somayeh and Najjarian, Mohammad Reza. (2014). Similarities and differences of language and theme in the poems of Seyyed Hasan Hosseini and Ahmad Azizi, 10th International Conference on the Promotion of Persian Language and Literature of Mohaghegh Ardabili University, pp. 100-114.

Shabanzadeh, Maryam. (2011). A look at Ahmad Azizi's poetry, Research Journal of Ghanai Literature, No. 17, pp. 131-148.

\_\_\_\_\_ (2012). Technology in today's language (a research on the effect of technology on Ahmad Azizi's poetry), literary techniques, fifth period, number 1, 123-140.

Safavi, Korosh. (2004). An introduction of semantics. Tehran: Research College of Islamic Culture and Art, p. 367

Azizi, Ahmad. (1995). Taranehaye Iliai, first edition, Tehran: Kayhan Publications.

\_\_\_\_\_ (1998a). Kafshhaye mokashefeh, third edition. Tehran: Al-Houda International Publications

\_\_\_\_\_ (1998b). khabnameh va bagh tanasokh. Third edition. Tehran: Barg.

- \_\_\_\_\_ (2009a). Toghian Taraneh, first edition, Tehran: Ketab Neyestan.
- \_\_\_\_\_ (2009b). Qos Ghazal (a collection of Ghazal works), first edition, Tehran: Neyestan.
- \_\_\_\_\_ (2009c). Navdan Almas. Tehran: Ketab Neyestan
- \_\_\_\_\_ (2017a). Sharji Awaz second edition. Tehran: Avaye Noor.
- Kovech, Zoltan. (2010). A practical introduction to metaphor, translated by Shirin Pourebrahim, Tehran: Samt, p.59
- Golfam, Arslan and Yousefi Rad, Fatemeh. (2011). Cognitive linguistics and metaphor, cognitive science news, fourth year, third issue, pp. 59-64.
- Geerartz, D. (2018). Ten Speeches in Social Cognitive Linguistics, Boston: Brill Publishing.
- Lakoff, George. (2012). The contemporary theory of metaphor; Metaphor is the basis of thinking and a tool for creating beauty, by Farhad Sasani, Tehran: Sureh Mehr, p.98
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). Metaphors We Live By, Chicago and London: University of Chicago Press, p.25
- Lakoff, George and Johnson, Mark. (2014). The metaphors we live By, translated by Hajar Agha Ebrahimi, Tehran: Elmi, p.17
- Motasharrei, Mahmoud. (2019). an introduction to cognitive sociolinguistics (along with a case study of the multiple meanings of words in Persian in this context), Tehran: Rahnama publishing
- Manteshlo, Masoumeh. (2016). Cognitive semantics of the experience of love in Golestan Saadi, Persian Language and Literature Quarterly, Islamic Azad University, Sanandaj branch, ninth year, number 32, pp. 158-175
- Najjarian, Mohammadreza and Shari, Somayeh. (2016). The themes of Ahmad Azizi's poetry, "Persistence Literature" publication, ninth year, number sixteen, pp. 339-363.
- Naddafzadeh, Fatemeh. (2014). Analysis of the style, thought and content of Ahmed Azizi's poems, master's thesis of Persian language and literature, Faculty of Humanities, Tarbiat Dabir Shahid Rajaei University.
- Hashemi, Zohreh. (2009). Conceptual metaphor theory from the perspective of Lakoff and Johnson, Literature Studies, No. 12, pp. 119-140
- Hashemi, Zohreh and Qavam, Abulqasem. (2012). Ahmad Ghazzali's attitude towards love based on the theory of cognitive metaphor, Adab Pazuh, No. 26, pp. 49-71
- Hemmati, Samireh. (2018). Examining the methods of thematization and image creation in Ahmad Azizi's poetry, Persian poetry and prose stylistics, twelfth year, serial number 45, pp. 355-377
- Geeraerts, D. (1995). Cognitive linguistics: Handbook of pragmatics. Amsterdam: John Benjamins Pub. Co, p.28
- Johnson, Mark. (1980). The Body in the Mind: The Bodily Basis of Meaning, Imagination and Reason. Chicago: Chicago University Press, pp.4-2
- Lakoff, G. and Johnson, M. (1980). Metaphors We Live By, Chicago and London: University of Chicago Press. pp 14-25

## فهرست منابع فارسی

قرآن کریم.

آقااحسینی، حسین و زارع، زینب. (۱۳۹۰). تحلیل زیباشناختی ساختار زبان شعر احمد عزیزی بر اساس کشفهای مکاشفه. پژوهشهای زبانشناسی، دوره سوم، شماره پنجم، صص ۱۸-۱.

ایشانی، طاهره. (۱۳۹۴). بازتاب گفتمان دینی در اشعار احمد عزیزی. دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، صص ۷-۱.

بهنام، مینا. (۱۳۸۹). استعاره مفهومی نور در دیوان شمس. نقد ادبی، سال ۳، شماره ۱۰، صص ۹۱-۱۱۴.

پورجوادی، نصرالله. (۱۳۸۷). باده عشق: پژوهشی در معنای باده در شعر عرفانی فارسی. چ ۱، تهران: کارنامه. صص ۱۱۹-۱۷۷.

خانی، سامان و معروف، یحیی. (۱۳۹۴). پایان‌نامه: بررسی تطبیقی عشق در اشعار یحیی سماوی و احمد عزیزی. دانشگاه رازی کرمانشاه.

راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۹). درآمدی بر زبانشناسی شناختی. تهران: سمت.

روشن، بلقیس و اردبیلی، لیلا. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر معناشناسی شناختی. تهران: علم.

شرونی، سمیه و نجاریان، محمدرضا. (۱۳۹۴). شباهت‌ها و تفاوت‌های زبان و مضمون در اشعار سیدحسن حسینی و احمد عزیزی. دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی دانشگاه محقق اردبیلی، صص ۱۱۴-۱۰۰.

شعبانزاده، مریم. (۱۳۹۰). نگاهی به شعر احمد عزیزی. پژوهشنامه ادب غنایی، شماره هفدهم، صص ۱۴۸-۱۳۱.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۲). فناوری در زبان امروز (جستاری در تأثیر تکنولوژی بر شعر احمد عزیزی). فنون ادبی، دوره پنجم، شماره ۱، صص ۱۴۰-۱۲۳.

صفوی، کورش. (۱۳۸۳). درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی، صص ۳۶۷.

عزیزی، احمد. (۱۳۷۲). ترانه‌های ایللیایی. چاپ اول، تهران: انتشارات کیهان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۵الف). کشفهای مکاشفه. چ ۳. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۵ب). خوابنامه و باغ تناسخ. چ ۳. تهران: برگ.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷الف). طغیان ترانه. چ ۱. تهران: کتاب نیستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ب). قوس غزل (مجموعه آثار غزل). چ ۱. تهران: نیستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۷ج). ناودان الماس. تهران: کتاب نیستان.

\_\_\_\_\_ (۱۳۹۷). شرحی آواز. چ ۲. تهران: آوای نور.

کووچش، زولتن. (۱۳۹۳). مقدمه‌ای کاربردی بر استعاره. ترجمه شیرین پورابراهیم. تهران: سمت، صص ۵۹.

گلفام، ارسلان و یوسفی راد، فاطمه. (۱۳۸۱). زبانشناسی شناختی و استعاره. تازه‌های علوم شناختی، سال چهارم، شماره سوم، صص ۶۴-۵۹.

گیرترس، درک. (۲۰۱۸). ده گفتار در زبانشناسی شناختی اجتماعی. بستون: نشر بریل.

لیکاف، جورج. (۱۳۸۲). نظریه معاصر استعاره؛ استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی. به کوشش فرهاد ساسانی. تهران: سوره مهر، صص ۹۸.

لیکاف، جورج و جانسون، مارک. (۱۳۹۴). استعاره‌هایی که با آنها زندگی می‌کنیم. ترجمه هاجر آقابراهیمی. تهران: علمی، صص ۱۷-۶۲.

متشرعی، محمود. (۱۳۹۹). درآمدی بر زبان‌شناسی شناختی اجتماعی (به همراه بررسی موردی چند معنایی واژگان در زبان فارسی در این چارچوب). تهران: نشر رهنما.

- منتشلو، معصومه. (۱۳۹۶). معنی‌شناسی شناختی تجربه عشق در گلستان سعدی. فصلنامه زبان و ادب فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد سنندج، سال نهم، شماره ۳۲، صص ۱۷۵-۱۵۸.
- نجاریان، محمدرضا و شرونی، سمیه. (۱۳۹۶). درونمایه‌های شعر احمد عزیزی، نشریه ادبیات پایداری، سال نهم، شماره شانزدهم، صص ۳۶۳-۳۳۹.
- نداف‌زاده، فاطمه. (۱۳۹۴). بررسی سبک، اندیشه و محتوای اشعار احمد عزیزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- هاشمی، زهره. (۱۳۸۹). نظریه استعاره مفهومی از دیدگاه لیکاف و جانسون. ادب‌پژوهی، شماره دوازدهم، صص ۱۴۰-۱۱۹.
- هاشمی، زهره و قوام، ابوالقاسم. (۱۳۹۲). نگرش احمد غزالی به عشق بر بنیاد نظریه استعاره شناختی، ادب‌پژوهی، شماره ۲۶، صص ۷۱-۴۹.
- همتی، سمیره. (۱۳۹۸). بررسی شیوه‌های مضمون‌سازی و تصویرآفرینی در شعر احمد عزیزی، سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی، سال دوازدهم، شماره پیاپی ۴۵، صص ۳۷۷-۳۵۵.

#### معرفی نویسندگان

**محسن محسناتبار:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: [mohsenatabarmajid@gmail.com](mailto:mohsenatabarmajid@gmail.com))

(ORCID: 0009-0009-0640-7200)

**فیروز فاضلی:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: [drfiroozfazeli@guilan.ac.ir](mailto:drfiroozfazeli@guilan.ac.ir) (نویسنده مسئول))

(ORCID: 0000-0002-4398-421x)

**رضا چراغی:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

(Email: [cheraghireza@guilan.ac.ir](mailto:cheraghireza@guilan.ac.ir))

(ORCID: 0000-0003-4801-4180)

#### COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited.

#### Introducing the authors

**Mohsen Mohsenatbar:** PhD student in the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

(Email: [mohsenatabarmajid@gmail.com](mailto:mohsenatabarmajid@gmail.com))

(ORCID: 0009-0009-0640-7200)

**Firooz Fazeli:** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

(Email: [drfiroozfazeli@guilan.ac.ir](mailto:drfiroozfazeli@guilan.ac.ir): Responsible author)

(ORCID: 0000-0002-4398-421x)

**Reza Cheraghi:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

(Email: [cheraghireza@guilan.ac.ir](mailto:cheraghireza@guilan.ac.ir))

(ORCID: 0000-0003-4801-4180)